

حادثه

شهروند

پنجشنبه ۲۷ تیر ۱۳۹۸ | سال هفتم | شماره ۱۷۴۴ www.shahrvand-newsper.ir

۶

در هر بار تمرین پناهنگیری، در محل‌های امن پناهنگیری کنید تا انجام این عمل در زمان وقوع زلزله، نیاز به صرف وقت نداشته باشد.

نجات کوهنورد گرفتار در کوه‌دنا

کوهنورد مصدوم و گرفتار در قله بیزن ۲ کوه دنا با بالگرد هلال احمر نجات پیدا کرد. کوهنوردی ۵۰ساله به نام سیدحسن بلادی ساعت ۲۰سه‌شنبه شب در قله بیزن ۲ از قلل کوه دنادر شهر سی سخت به علت عوارض از تفاع زندگی دچار آسیب (ادم) مغزی شده بود. گرفتار می‌شود. در تماس تلفنی باامدادونجات جمعیت هلال احمر تقاضای کمک می‌کنند که به علت تاریکی هوا و نبود جاده بلافاصله تیم امداد کوهستان شهرستان دنا به تعداد چهار نفر و به صورت پیاپده به محل حادثه عزیمت می‌کنند که ساعت پنج صبح به فرد حادثه‌دیده می‌رسند و با اکسیژن تراپی و کمک‌های اولیه فرد را زنده‌نگه می‌دارند.مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان کهگیلویهو بویراحمد بااعلام این خبر گفت: «تهیاتساعت ۱۰صبح بالگردامدادی جمعیت هلال احمر استان فارس به یاسوج پرواز می‌کندو یک تیم کوهستان چهار نفر از یاسوج راهمراه خودبه محل حادثه‌انتقال می‌دهدو بلافاصله کوهنورد مصدوم وبالگرددیه یاسوجانتقال داده‌و تحویل مراکز درمانی می‌شود.

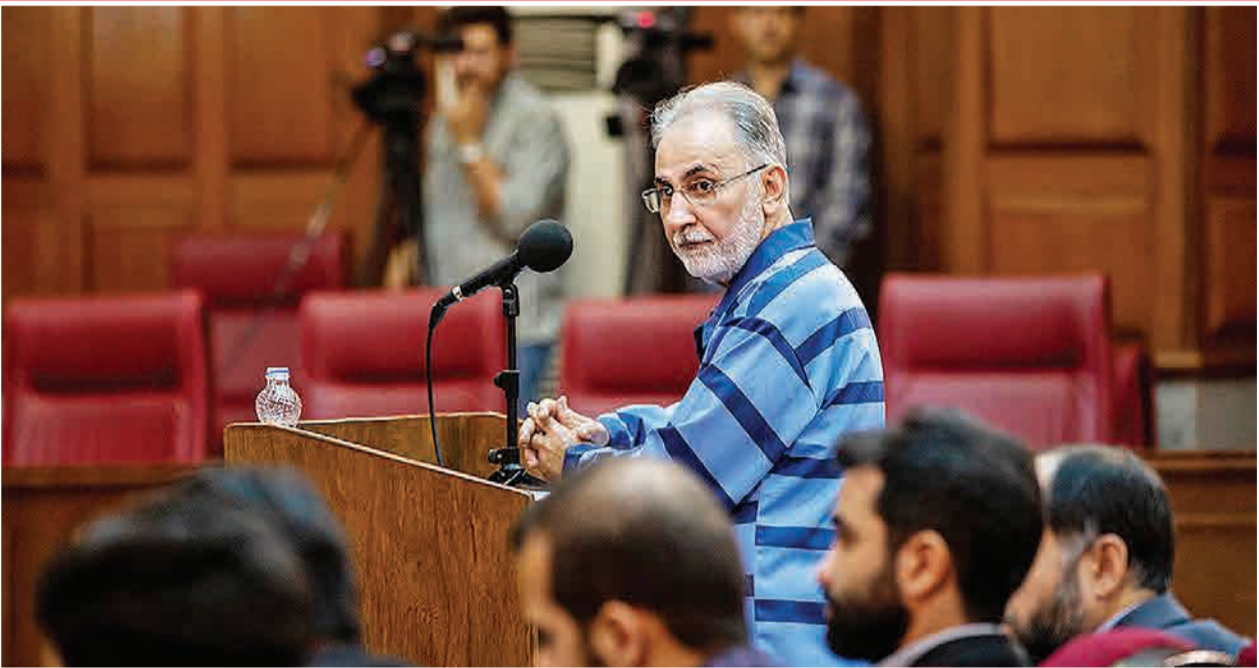
پرونده‌پر از سوال و نقص است

آخر دادگاه نوبت به محمدرضا گودرزی وکیل متهم می‌شود. وکیلی که با صحبت‌هایش جنجال به پا کرد. دفاعیات پر حاشیه‌ای که اگر صحت داشته باشد، می‌تواند مسیر پرونده را تغییر دهد. وکیل نجفی سوالاتی را مطرح کرد که در پرونده بی‌پاسخ مانده و حتی می‌توان این‌طور استنباط کرد که نشانی از رد پای نفر سوم در این پرونده باشد. این وکیل و قاضی سابق دادگستری به وجود چند دکمه پیراهن مردانه، ردّ تیر اضافه، حضور یک مرد ناشناس در صحنه قتل و اشتباه در مشخصات سلاح به کار گرفته‌شده در قتل اشاره می‌کند. گودرزی با توصیف شخصیت و وقار نجفی در دوران کاری‌اش و سابقه درخشان این مرد در سیاست و مسئولیت‌هایش می‌گوید که باور نکردنی است چنین مردی حالا در مقام یک قاتل حرفه‌ای قرار بگیرد. «گفته می‌شود ۵گلوله شلیک شده است اما ۹محل اصابت گلوله وجود دارد. در بازرسی صحنه جرم مشخص شده است که گلوله از کف دست داخل و از پشت دست خارج شده است اما کارشناسان گفته‌اند گلوله از پشت دست و از کف دست خارج شده است. از طرف دیگر مگر می‌شود یک فرد ناشناس وارد محل صحنه قتل شود و سپس دستگیر و پس از آن آزاد شود. خانم استاد خودش نیز سابقه اقدام به خودزنی را داشته است و این مسأله باید مورد توجه روانپزشکان قرار می‌گرفت. آیا یک انسان حتما باید دیوانه زنجیری یا عاقل خردمند باشد؟ آیا امکان ندارد انسانی تحت شرایطی، زمام‌امور را از دست بدهد. در بحث دفاعیات ماهوی پرونده از نقایض ادله‌ای رنج می‌برد که رئیس دادگاه در چند جلسه بخشی از نواقض رافع کرد اما قسمت‌های عظیمی همچنان بر جای مانده و انتظار داریم این نقایض بر طرف تا معلوم شود موکل یک قاتل حرفه‌ای بوده یا یک مسأله غیر ارادی رخ داده است. یکی از نقایضی که وجود دارد این است که مشخصات سلاح به کار رفته شده با مشخصات سلاحی که در کیفرخواست و گزارشات وجود دارد، مغایر است. همچنین مجوز سلاح موکل شماره ۷۶۵ است؛ در حالی که در تحقیقات و دادسرا سلاح کم‌ری دارای کالیبر ۹میلی‌متری اعلام شده است که این مسأله باید روشن شود. ۵پوکو در صحنه جنایت کشف‌شده نشان می‌دهد ۵گلوله شلیک شده اما تیم بررسی صحنه جرم آثار تیر را ۳مورد روی دیوار، یک مورد روی در کمد و تیرینی و ۲مورد سقف حمام عنوان کردند و این جدای از محل‌های اصابت گلوله به‌فلسفه سینه و کف دست مر حومه است.»

● ● ●
محمدرضا گودرزی وکیل مدافع نجفی:

صحبت‌های من در دادگاه برای بر طرف شدن ابهامات پرونده است

یکی از مهمترین موضوعات مطرح شده در دومین جلسه رسیدگی به پرونده قتل میترا استاد، موضوع تعداد گلوله‌های شلیک شده و ابهاماتی بود که از سوی حمیدرضا گودرزی وکیل مدافع محمدعلی نجفی در دقایق پایانی دادگاه مطرح شد. موضوعی که باز تاب آن در رسانه‌ها به گونه‌ای بود که انگار پای نفر سومی هم در میان است. فردی که هویت آن هنوز اعلام نشده. با این وجود اما حمیدرضا گودرزی ساعتی پس از ختمه جلسه دادگاه در گفت‌وگو با روزنامه شهروند شائبه‌های به وجود آمده در این خصوص را رد کرد و گفت که رسانه‌ها از صحبت‌های او برداشت اشتباهی داشته‌اند: «اصلا منظور من وجود نفر سوم در صحنه جرم نبود، حتی تعداد گلوله‌ها هم جای بحث دارد. همه صحبت من رسیدگی دقیق به پرونده و بررسی علمی شواهد، مدارک و صحنه جرم است. من همه این موضوعات را به‌عنوان احتمالاتی مطرح کردم که باید به‌طور دقیق مورد بررسی قرار بگیرد تا هر گونه ابهامی در این خصوص بر طرف و واقعیت ماجرا برای همه بخصوص طرفین این پرونده روشن شود. اما متأسفانه برداشت اشتباهی از صحبت‌های من شد که به هیچ وجه درست نیست.» این وکیل دادگستری همچنین شایعات مطرح شده درخصوص توافق صورت گرفته و رضایت خانواده استاد هم گفت: «اینها فقط شایعات بی‌پایه و اساس است. تلاش‌های زیادی برای مذاکره و گفت‌وگو صورت گرفته، اما هنوز هیچ واکنش مثبتی از طرف خانواده استاد ندیدم.»



عکس: فارس

دومین جلسه دادگاه نجفی بر گزار شد

با چند دکمه پیراهن چهار فشنگ اضافه و یک مرد ناشناس حاشیه‌ساز

ابهامات پرونده هر روز بیشتر می‌شود

پرونده‌ای که تا الان سوالات زیادی را در ذهن مردم ایجاد کرده است و هر کس دلش می‌خواهد بداند اصل قضیه چیست، حتی مردم عادی هم به دادگاه آمده بودند و پشت در سالن دادگاه از طریق تلویزیون این جلسه را دنبال کردند. در همان ابتدا، پیش از شروع جلسه، نخستین خبر، عزل یکی از وکلای نجفی بود. علیرازده طباطبایی در ست شب قبل از جلسه دوم دادگاه از سوی محمدعلی نجفی عزل شده بود. دلپیش مشخص نبود و هر کس چیزی می‌گفت، اما تنها چیزی که مشخص بود، این بود که محمدعلی نجفی این بار در حضور دو وکیل محاکمه می‌شود. این در حالی است که از گوشه و کنار دادگاه شایعاتی مبنی بر مذاکره خانواده مقتول و محمدعلی نجفی درخصوص رضایت مطرح می‌شود. شایعاتی که خیلی زود از سوی مسعود استاد در همان جلسه دادگاه و در گفت‌وگو با خبرنگار مار دمی شود.

اظهارات تازه سیاستمدار بر حاشیه

ساعت ۹:۴۰ صبح است. در میان صدای فلش دوربین خبر نگارها و اردستبند به دست وارد سالن دادگاه کردند. روی صندلی‌اش می‌نشیند. همچنان خونسرد به نظر می‌رسد. به محض نشستن روی صندلی و سلام‌واحوالهریسی با وکلایش، خیلی آهسته با گودرزی یکی از وکلایش صحبت می‌کند. بعد از آن عینکش را به چشم می‌زند و کاغذی را مقابلش می‌گیرد. وقتی وکیل اولیای دم خطاب به او می‌گوید چرا آن قدر با این قتل راحت برخورد کردی، مگر توک مداد شکسته که به راحتی می‌گویی اشتباه کردم، لحظه‌ای سرش را پایین می‌گیری، اما باز هم با خونسردی به رویه‌رو خیره می‌شود. ساعت ۱۰ که می‌شود، قاضی کشکولی او را برای شنیدن اظهاراتش به جایگاه فرامی‌خواند. سیاستمدار پر حاشیه این روزها با عینکی به چشم و کاغذی در دست رویه‌روی قضات می‌ایستد، خودش را معرفی می‌کند، در ابتدا صدای لرزانی دارد، آهسته و لرزان صحبت می‌کند، اما دقایقی بعد بر خود مسلط می‌شود و با جمله‌ها و واژه‌هایی کاملاً رسمی اظهارات تا زماش را مطرح می‌کند: «هدف من در تبیین مسائل فقط روشن شدن حقایق است. به خدا پناه می‌برم، امیدوارم خداوند از این تقصیر مرا مورد رحمت خود قرار دهد. من می‌خواهم امروز صادقانه همه چیز را بگویم. تمام اتهاماتم را قبول دارم، اما اتهام قتل عمد را نمی‌پذیرم. من نمی‌خواستم آن مرحوم به قتل برسد. ابتدا باید بگویم آن چه در کیفرخواست قرائت شد، بخشی نادرست و بخشی هم غیردقیق بود. در کیفرخواست نامه ۶صنحه‌ای من را خواندند، نامه‌ای که من در صدر آن نوشته بودم، دوست ندارم نامه عمومی شود، حتی نمی‌خواستم بستگلمت از آن اطلاع داشته باشند، نمی‌دانم چرا نماینده دادستان بخشی را قرائت کرد. اگر قرائت آن مطالب لازم بود، باید در جلسه غیر علنی مطرح می‌شد، من راضی نبودم و از این که آن نامه علنی شد ناراحتم. در مورد مهیار هم باید بگویم به دلیل شرایط روحی، او را درک می‌کنم، اما من به هیچ عنوان در هیچ زمانی آن مرحوم را به قتل تهدید نکردم. من و متوفی هفت ماه به صورت موقت با هم زن و شوهر بودیم. آن زمان مشغله کاری زیادی داشتم و کمتر با هم صحبت می‌کردیم. از دیهشت سال ۹۷ با هم به صورت دائمی ازدواج کردیم. می‌گویند من گفتم‌ام با زور یا آن مرحوم ازدواج کرده‌ام، در صورتی که من فقط در تاریخ عقلمان با او به توافق نرسیده بودم، چون یک عمل جراحی داشتم‌ام، از او خواستم عقدا را کمی عقب‌ت ببندا زیم، اما موافقت نکرد. من به این دلیل راضی به عقد دایم نبودم که اولاً فرصت بیشتری برای شناخت هم داشته باشیم و دیگر این که از نظر مبنای اعتقادی و فرهنگی با هم فاصله داشتیم، همچنین من قرار عمل جراحی در تاریخ ۱۰ یا ۱۲ اردیبهشت داشتم و پزشک معالجم به من گفته بود تا یک ماه بعد از عمل نمی‌توانم فعالیت داشته باشم و باید تحت مراقبت قرار بگیرم، اما او این را نپذیرفت. بعد از عقد دایم بود که اختلافات در مسائل مختلف خود را نشان داد و من خیلی سعی کردم بعد از دوران نقاهت با بحث و گفت‌وگو به یک نقطه مشترک برسیم، حدود ۶ماه قبل به این نتیجه رسیدم که زندگی مشترک ما با توجه

۶نگته دادگاه بر حاشیه

دومین جلسه دادگاه شهر دار پیشین تهران با حاشیه‌ها و نکات زیادی رویه‌رو بود. حاشیه‌هایی که هر کدام حرف‌های زیادی در آن نهفته بود که به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:

در این جلسه سه ساعت و نیمه فیلم دوربین مدار بسته که در آن محمدعلی نجفی پس از جنایت از خانه‌اش خارج می‌شود، پخش شد و جزئیات آن با صحبت‌هایی که نجفی درباره خروجش از خانه زده بود، مطابقت داشت.

قصاص خون مادر مرا می‌خواهم

دقیقا هم‌زمان با نجفی وارد دادگاه می‌شود. قاضی از خبرنگاران و عکاسان می‌خواهد به هیچ عنوان عکسی از او نگیرند. پسر نوجوان با لباس مشکی‌اش روی صندلی در کنار پدر و دایمی‌اش می‌نشیند. مهیار هم چهره خون‌سردی دارد، بعد از این که پدرش در جایگاه قرار می‌گیرد و از طرف او تقاضای قصاص می‌کنند، خودش در جایگاه می‌ایستد. مهیار ۱۵ ساله از دادگاه تقاضای قصاص خون مادرش را می‌کند. در ست در همین لحظات نجفی خیره به‌ه او نگاهش می‌کند، اما مهیار سعی می‌کند چشمش به نجفی نیفتد. این پسر نوجوان در باره روز حادثه به قاضی می‌گوید: «آن صبح آقای نجفی مرا از خواب بیدار کرد، گفت پاشو به مدرسه‌ه بره عصبانی بود. من هم از خواب بیدار شدم و به مدرسه رفتم، برایم آژانس گرفته بودند. ساعت ۹:۰۴ از خانه بیرون رفتم، ساعت ۱۲ برگشتم. دیدم دو نفر داخل خانه هستند، اول فکر کردم اشتباه آمده‌ام، اما بعد فهمیدم درست است. راننده آقای نجفی را شناختم، با او به داخل حمام رفتم و مادرم را دیدم.»

در این لحظه است که مهیار وقتی قاضی از او می‌خواهد مشاهداتش را با جزئیات بیشتری بیان کند، بغض می‌کند، سرش را پایین می‌اندازد و اشک می‌ریزد. او نمی‌تواند جز بیات صحنه مرگ مادرش را توصیف کند، برای همین قاضی این بار درباره رابطه مادرش با نجفی از او می‌پرسد که مهیار جواب می‌دهد: «آنها همیشه با هم دعوا داشتند. آقای نجفی رفتار بدی با مادرم داشت، بارها او را تهدید کرده بود، چند بار بهمین اسلحه می‌رساند. «برگشت روزگار سهل است، یارب نظر تو برنگردد. بَشِّرِ الصَّابِرِینَ الَّذِینَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِیْبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ.»

خودباشند.»

با این که در دادگاه شایعه شده بود خانواده مقتول قرار است حاضر به رضایت شوند، مهیار و مسعود استاد این ماجرا را رد کرده و پشت خواستار قصاص بودند، تا جایی که مسعود استاد بعد از جلسه به خبرنگار ما گفت: «به ما پیشنهادات مالی زیادی شده، ولی نه پدر و مادرم و نه مهیار هیچ کدام در هیچ شرایطی حاضر به گذشتن نیستیم.»

در این جلسه کارشناس اسلحه نیز در جایگاه حضور یافت و با

من هیچ شناختی از میترا استاد نداشتم

معصومه رشیدیان، خبرنگار انصاف نیوز از همان روزهای ابتدایی پس از وقوع حادثه نامش سرر زبان‌ها افتاد، زن خبرنگاری که قرار بود روز حادثه با خانم استاد مصاحبه کند. اما حادثه برج آرمیتا و قتل خانم استاد به دست شهر دار سابق تهران همه چیز را به هم ریخت تا موجی از شایعات و اخبار تأیید نشده در خصوص محتوای گفت‌وگوی میترا استاد با این خبرنگار منتشر شود. گفت‌وگویی که البته هیچ وقت انجام نشد، اما توضیحات رشیدیان تا حدودی موضوع را روشن کرد. این خبرنگار جوان در جلسه نخست دادگاه به‌عنوان مطلع در جایگاه قرار گرفت و توضیحاتی را ارائه کرد، او همچنین در دومین جلسه دادگاه هم حضور داشت. این خبرنگار جوان ساعتی پس از پایان جلسه دادگاه در گفت‌وگو با «شهروند» گفت: «وقتی خبر قتل را شنیدم، ابتدا باور نکردم، اما خب واقعیت داشت، واقعا شوکه‌کننده بود. همان موقع بود که خودم را آماده کردم برای موجی از شایعات، البته در یادداشتی همه چیز را درباره آشنایی با خانم استاد توضیح دادم. از طریق ادمین یک کانال تلگرامی با او آشنا شدم.» او ادامه داد: «سوزه ما استغفای آقای نجفی و نقش خانم استاد در آن تصمیم بود. گفت‌وگو انجام شد. اما بعد از چند وقت خانم استاد با من تماس گرفت و در خواست گفت‌وگو داشت. او به من گفت می‌خواهد از آبرویش دفاع کند. قرار ملاقات هم مشخص شد، البته همان طور که می‌دانید آن وقت من هیچ وقت انجام نشد. من شناختی از شخصیت او نداشتم، در حد یک سوزه و گفت‌وگو بود که انجام شد. با این حال در جلسه سوم دادگاه هم حاضر می‌شوم، البته اختلاصاً به یا نامه‌ای از طرف دادگاه برای من ارسال نشده است.»

تأیید این که ۵ تیر شلیک شده، اعلام کرد که تیر خلاص در ابتدا به دستان مقتول اصابت و بعد از آن وارد قلبش شده است.

زهرا نجفی پس از پایان جلسه، در مقابل در دادگاه کیفری به خبرنگار «شهروند» گفت: «برای نجات پدرم حاضر مر کاری بکنم، ولی هیچ کدام از افراد خانواده اولیای دم حاضر نیستند حتی مرا ببینند. نمی‌دانم چرا، ولی میترا با من خیلی مشکل داشت، در صورتی که اصلا اختلافی بین ما نبود.»

قاضی شهریاری که در جلسه دادگاه هم محمدعلی نجفی وهم

وکیل اولیای دم، از او بابت خواندن نامه انتقاد کرده بودند، هنگام خروج از دادگاه به خبرنگاران گفت: «کیفرخواست هیچ ایرادی نداشت. درباره صحبت‌های وکیل متهم هم باید بگویم نجفی اتهامات وارده را قبول دارد و می‌گوید قتل با یک سلاح بوده ولی وکیل و القاتل دیگری را می‌گوید سوار بر موج‌هایی می‌شود که برخی افراد در فضای مجازی را انداخته‌اند، مبنی بر این که نکند فرد دیگری هم باشد. با این حال نجفی با صداقت آمده و اعتراف کرده است.»